

## عنوان مقاله:

جغرافیای سیاسی به مثابه یک علم تجربی

## محل انتشار:

پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره 48، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

محمود واثق - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

نرجس سادات حسینی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

مهتاب جعفری - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

در یک تقسیم کلی می توان علم را به دو معنای عام و خاص در نظر گرفت. علم در معنای کلی و عام، مشتمل بر مجموع دانستنی ها، صرف نظر از موضوع، محتوا و روش شناسی آن است. در زبان انگلیسی، از این معنای علم با واژه [1] knowledge یاد می شود. علم در مفهوم خاص، به آن دسته از معرفت ها گفته می شود که ویژگی تجربی و آزمون پذیر دارند و با واژه [2] science معرفی می شوند. براساس ضابطه تجربه پذیری، بسیاری از علوم و معارف نظیر فلسفه، ریاضیات، ادبیات، شعر، فقه، منطق و نظایر آن، از قلمرو معرفت علمی خارج می شوند. در نزد فلاسفه پوزیتیویست علم و براساس ضابطه «معناداری» [3]، علم تجربی معرفتی مبتنی بر مشاهده و آزمون است و قابلیت اثبات و ابطال پذیری تجربی دارد. از این رو، هر معرفت قابل آزمون و اثبات، در زمره معرفت علمی (تجربی) قلمداد می شود. دانش جغرافیا و از آن میان شاخه جغرافیای سیاسی که روابط نظام مند میان انسان (سیاست) و محیط جغرافیایی را بیان و تشریح می کند، از جمله علوم قدیمی است که سابقه آن به اندازه عمر انسان در زمین است. پرسش اساسی که در اینجا مطرح می شود آن است که آیا می توان جغرافیای سیاسی را به مثابه معرفتی تجربی، در ردیف علوم تجربی قلمداد کرد. مطابق فرضیه این مقاله، جغرافیای سیاسی به دلیل برخورداری از ویژگی های معرفت تجربی، در ردیف علوم تجربی قرار دارد. از این رو، می توان جغرافیای سیاسی را دانشی تجربی به شمار آورد. [1]. علم به معنای عام [2]. علم به معنای خاص [3]. Meaningfulness

## کلمات کلیدی:

استقراگرایی، تحول اندیشه در جغرافیای سیاسی، علم، علم تجربی، معیارهای علمی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1534170>

